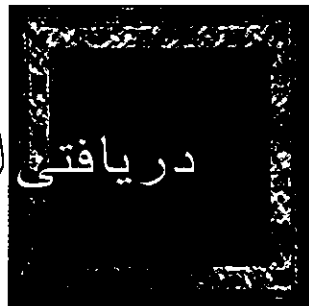


دریافتی از تعبیر «هنر اسلامی»^۱

یدالله غلامی^۲



(از ص ۷۶-۸۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱/۲۱

چکیده

مرجع اصلی برای شناسایی هویت اسلامی هنر یا هر یک از دیگر زیرمجموعه‌های فرهنگ اسلامی، قرآن کریم است و عموماً قرآن خاستگاه فرهنگ و باور در دین اسلام محسوب می‌شود. دیدگاه دینی مبین اخلاق، اعتقاد، فرهنگ و اینگونه مفاهیم است، و ازسویی تفاوت دیدگاه قرآن با دیدگاه مادی امروز بشر تنها تفاوت دو موقعیت نیست، و موضوع در واقع دگرسانی بینشهایی است که از اهمیت یکسان برخوردار نیستند. شاید بتوان از عدم صراحت قرآن درباره بایدها و نبایدهای هنر چنین برداشت کرد که در بینش دینی، موضوعاتی از این قبیل مسبوق است به حساسیت بیرون دین بر احکامی که غرض از صدور آنها رستگار ساختن انسان است. بدین ترتیب تعبیر «هنر اسلامی» در اصل ناظر بر درونمایه، مضمون و تأثیر آثار هنری است.

کلمات کلیدی: هنر - بینش اسلامی - علوم اسلامی - انسان - دیدگاه‌ها.

۱- این مقاله بر پایه طرح پژوهشی در حال انجام نویسنده مقاله با راهنمایی دکتر محمد مهدی مظاهری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال فراهم آمده است.

۲- مدیر بخش هنر دانشنامه ایران در مرکز پژوهش‌های اسلامی و ایرانی

۱- مقدمه

تبیین قرآنی مقوله هنر اسلامی، در تکاپوی فکری زمان ما اهمیتی تازه دارد. این تبیین که در عصر سنتی به یک رنگ بوده است و در دوره شرق‌شناسی به رنگی دیگر، در آستانه هزاره سوم گویی رنگی تازه‌تر می‌طلبد. اهمیت و ضرورت پرداختن به مقولاتی نظیر آن، می‌تواند در ناگزیری از دست یافتن به حد لازم آرامش معنوی، در دوران تازه تلاطم مادی باشد. انسان هنوز بر این پندار است که بهروزی در دین است، و از این رو، پندار او برای طرح واقع‌گرایانه درونمایه خود، نیاز به کاوش دارد.

۲- مفهوم هنر اسلامی

تعبیر مأنوس «هنر اسلامی» در حقیقت ناظر بر محتوای اسلامی آثار هنری است، اما این تعبیر موسعاً در توصیف آثاری که هنرمندانی غالباً مسلمان به پشتیبانی سلاطین پدید می‌آوردند به‌کار می‌رود (رک: خلیلی، ۹). درباره این تعبیر و فراتر بودن یا نبودن آن از دایره معنایی حقیقی، تاکنون صاحب‌نظران نظراتی داده‌اند. اینکه هنر اسلامی از رویارویی تمدن و هنرهای ملل نومسلمان با فرهنگ و اعتقادات اسلامی ناشی شده است، هنوز موضوعی درخور بحث و تجزیه و تحلیل بیشتر به نظر می‌رسد (رک: گرابار، «هنر و معماری»^۱، ۱۶۷). همچنین فرهنگ اسلامی مانند همه فرهنگها، در بردارنده هنر به‌شمار می‌رود و شناخت روشن این هنر به تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی سرزمینهای اسلامی بستگی دارد (رک: همو، «هنر و فرهنگ»^۲، ۳۵).

برای تکمیل اینگونه نظرات درونمایه آثار هنری را در برابر قوالب نمی‌توان نادیده انگاشت. اسلامی بودن یا نبودن جنبه‌هایی چون جنبه کاربردی آثار هنر و معماری، مثلاً نفس مدرسه‌سازی در مقایسه با شکل یک مدرسه، موضوعی جدا از اسلامی پنداشتن ذات یک اثر بزرگ یا کوچک هنری است. از دیدگاه لغوی، یای نسبت در عبارت «هنر اسلامی» خود گویا و معرف ماهیت این هنر است، درحالی‌که اگر تعبیر متعارف به «هنر اسلام» تغییر یابد^۳ آنگاه مسئله‌ای تأویلی پیش روست که بسا ورود به آن مطلب را در مسیر متعلق به خود نگاه ندارد.

بارکردن هویت «اسلامی» بر تمامی بخش معظمی از هنر جهان اعم از مضمونها و قالبهای آن، ریشه خاورشناختی دارد و بر بیان خاوری موضوع نیز تأثیر نهاده است، و شاهد این تأثیر کاربرد تعبیر «هنر اسلامی» است در خاور زمین به همان مفهومی که خاورشناسان به‌کار برده‌اند. بدین سان تعبیر «هنر

1-Art and Architecture...

2- Art and Culture...

۳- مثلاً زکی محمد حسن کتابی ارزشمند دارد به نام فنون الاسلام، در حالی که درون مایه کتاب حتی نسبت به هویت «هنر اسلامی» نیز

اسلامی» را جز در اطلاق های دقیق، می توان خطایی مصطلح دانست.

نخستین پیوند میان دو مفهوم «اسلام» و «هنر» را می توان در نگرش دین اسلام بر موضوع هنر جستجو کرد، و چون نگرش دین اساساً نگرشی زندگی شناختی است (اعم از زندگی معنوی و مادی) همواره مبین پاره‌ای بایدها و نبایدهاست. از سویی نگرش دینی، بر اساس منابعی به دست می‌آید و منبع اصلی دین اسلام، کتاب آسمانی دگرگونی نیافته آن یعنی قرآن کریم است که در آن باید و نباید «محکمی» درباره نفس هنر نیامده است (به تعبیر مطالعات قرآنی: محکم، متشابه، ...) و آنچه در این مورد به مطالب یا آیات قرآن بازگردانده شده، به واسطه تفسیر یا حدیث بوده است. همچنین تفکیک نظری هنر نیک از بد و مراعات پرداختن یا نپرداختن به هر یک از سوی هنرمند یا مخاطب، در حقیقت منوط است به اینکه مسلمان اهمیت دادن به دستاوردهای معنوی را بیشتر آموخته باشد.

۲-۱- صور الهی، صور انسانی

آنچه خداوند درباره به اصطلاح پدیده‌های فرهنگی و جز آن به حضرت محمد (ص) وحی فرموده است، از موازین گوناگون برخوردار است. برای نمونه، اگر موضوع یک کار پژوهشی «بهشت از دیدگاه اسلام» باشد، پژوهنده می‌تواند آن را در آیات شریفه گوناگون مطالعه کند. در میان سور مبارکه‌ای که راجع به بهشت سخنان فراوان دارند می‌توان به «واقع»، «انسان» و «رحمن» اشاره کرد. در حالی که موضوع هنر با اوصاف بهشت در قرآن کاملاً پیوستگی دارد، تبیین هنر در قرآن انتزاعی تر از مقولاتی چون بهشت است.

مطمئناً یکی از دلایل بحث حاضر تفاوت در دیدگاه انسان متأخر است که طبعاً پرسشهایی نو طرح می‌کند و یا اینکه پرسشهای کهن را پیش از طرح دگرگون می‌سازد. اشاره قرآن کریم به شعر، مثلاً در سوره «شعراء»، اشاره به «قول زور» که تفسیر آن به مدد حدیث گاه توانسته است بر هنرهایی مانند موسیقی شمول یابد، مخالفت مسلم و بدیهی کتاب خدا با پرستش مجسمه و دیگر اشیاء موسوم به بت، و امثال اینها، همگی دارای جنبه‌های اخلاقی، اعتقادی و فرهنگی هستند.

قرآن کریم انسان را از پلیدی و بیهودگی هر دو نهی می‌فرماید (الحج، ۳۰): «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ.» ابن ابی حاتم (د. ۳۲۷ ق) معنی «زور» را کذب و کلام لغو نقل کرده است (رک: ۲۴۹۱/۸). طبرسی (د. ۵۴۸ هـ) «غنا» را نیز مشمول این معنی می‌شمرد (۱۱۱/۷). این معانی در

تفسیر آیه‌ای آمده که محور آن پدیده بت است (رک: طباطبایی، ۱۴/۳۷۳-۳۷۴) و بت اغلب به صورت مجسمه، یعنی به صورت یک شیء هنری، تصور می‌شود. در آثار هنری مسلمین نه تنها پرداختن به موضوعات ناشایست نادر است، بلکه در مقایسه با آثار هنری دیگر، در آنها «بیهودگی» نیز کمتر دیده می‌شود. این مطلب یادآور ویژگی‌ای در معماری آیینی ایران است. پیرنیا (د. ۱۳۷۶ ش) پرهیز از کار لغو را یکی از ویژگیهای کلیدی فن معماری در ایران می‌داند (ص ۲۸).

خداوند در آیه شریفه‌ای که به دلالت بر سرگردانی و گمراه‌سازی گروهی از هنرمندان شهرت یافته است، (شعراء، ۲۲۴-۲۲۵) می‌فرماید: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ». آیه مربوط به این موضوع است که عده‌ای حضرت محمد (ص) را شاعر می‌خواندند. نیشابوری (د. ۵۵۵ ق) «يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» را با عبارت «الْبَطَالُونَ الْفُرْعَ» توضیح می‌دهد، یعنی اشخاصی که رو سوی حقیقت نداشتند و وقت را به عطالت می‌گذرانند (۲/۱۳۶). در اینجا مقصود از شاعران گروهی خاص از آنان است که هنر را صرف دشمنی با پیامبر می‌کردند و نام برخی از آنان نیز در منابع نقل شده است. طبرسی (رک: ۷/۲۷۰) در این مورد نظراتی نقل می‌کند که بعضاً اشاره بر شاعرانی لایبالی دارد. آنان راه هنر نمی‌پویند و تهی‌مایه‌اند و فقر ادیبشان ناشی از فقدان لطافت معنی در دیدگاه است. طباطبایی (رک: ۱۵/۳۳۲-۳۳۱) درباره اینکه بهتان شاعری دگرگون جلوه ساختن ماهیت رسالت بوده است، به عنصر وهم در هنر و خیالپرستی گروهی از مخاطبان ادبیات اشاره می‌کند که ذهنیات خود را در حد لازم نمی‌شناسند، چون نمی‌خواهند بشناسند.

۲-۲- بایستگی فرهنگ و هنر

فعالیت هنری به اعتباری برآیند دو بُردار هنرمند و مخاطب است. آنچه درباره صلاح در هنر گفته می‌شود - مثلاً رهایی از امر غیررحمانی - می‌تواند از انجام فعالیت هنری یا مخاطب بودن هر دو حاصل شود. بر همین قیاس آنچه درباره فساد گفته می‌شود مثلاً وهم‌پردازی - نیز می‌تواند از هر دو حاصل شود. این موضوع یکی از مختصات سیمای وحدت (سیمای دیگر: کثرت) در پدیده هنر و مقوله زیباشناسی است. از قضا نکته‌ای زیباشناسانه نیز در آیه شریفه بعدی «وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» وجود دارد که البته خارج از حوزه زیباشناسی هنری و مربوط به زیباشناسی اخلاقی است. یادآور می‌شود که دانش زیباشناسی که دانشی فلسفی است سه حوزه دارد: طبیعت، هنر و اخلاق. انسان متأخر گاه به جای این سؤال که دین چه چیزهایی را تأیید می‌کند، سؤال خود را از دیدگاه متقابل

مطرح می‌سازد: آیا هنر مورد تأیید دین هست؟ به عبارت دیگر دیدگاه ایمانی، هنر را که جنبه‌ای از فرهنگ است در پرتو آیین قرار می‌دهد، درحالی‌که دیدگاه متقابل که با موضوعاتی مثل هنر پیوستگی خاص دارد، سایه‌ی آن را بر دین می‌افکند.

تفکیک نظری هنر نیک از بد و مراعات پرداختن یا نپرداختن به هر یک از سوی هنرمند یا مخاطب، در حقیقت منوط است به اینکه فرد مسلمان اهمیت دادن به دستاوردهای معنوی را بیشتر آموخته باشد. به هر حال هنر نه تنها آفرینش زیبایی (حُسن) و از این نظر با اخلاق مشترک است، بلکه تمثیل فضیلت است. این مطلب که تا نزدیک به قرن دهم ق «تمام انواع هنرها شدیداً تحت تأثیر منهیات قرآنی و «نیافریدن» صورت قرار داشته که آن را مخصوص خالق می‌شمردند» (آدلر، ۲۱۹/۱) نمونه‌ای از تعبیر خاورشناختی است. علاوه بر آن مطلب صحت تاریخی ندارد و برای نمونه تا آن زمان هنرمندان مسلمان چند مکتب عمده و بزرگ را در نقاشی ابداع و تجربه کرده و پشت سر گذاشته‌اند.

با این حال صاحب این تعبیر دیگر جنبه‌های فرهنگ و عقاید اسلامی را فوق العاده منصفانه گزارش کرده است (رک: ۲۲۲/۱ به بعد). اما در واقع آنچه در آیات، احادیث و روایات مورد مخالفت بوده آفرینشی است که از چشم‌انداز راستین دین ناپسند می‌نماید: از نظر معنوی و اخلاقی و (برخلاف باور معمول و آنچه خاصه درباره مجسمه انسان گفته‌اند) نه از لحاظ ایدئولوژی؛ چراکه هنرورزی را نه تنها می‌توان تقلید قبیح خلقت خداوند تلقی نکرد، بلکه می‌توان آن را هماهنگی با جریان مداوم آفرینش دانست. نمونه‌هایی از احادیث مخالف را یاد خواهیم کرد و مطلب اخیر را نیز خواهیم شکافت.

۲-۳- همراهی حُسن با اعتدال باطن

امام محمد غزالی (د. ۵۰۵ ق) بر آن بوده است که اگر غنا، نفس را بی‌الاید و اندیشه را به اهتزاز آورد حلال است (رک: ۴۷۴/۱) به بعد، که غزالی در آنجا هم به حکمت هنر و هم به حکم تشریحی آن به فتوای خود، پرداخته است. این نگرش تکلیف مسلمان را در برابر غنا و موسیقی به صورت شخصی درمی‌آورد. بدین مفهوم که چگونگی واکنش او در برابر نوای هر موسیقی پیوسته به تشخیص فردی است، و بسته به تأثیر آن در خور پذیرش یا اجتناب است (نیز رک: همایی، ۱۸۹-۱۹۰). نکته‌ای که تا اینجا قصد داشته‌ایم بدان دست یابیم، توجه به حساسیت و نیروی فرد در تشخیص و تمییز پذیرش یا اجتناب از رویارویی با یک اثر موسیقایی و هنری و آنگاه اقدام است.

در اینجا با سه مفهوم روبه‌رو هستیم: حساسیت، تشخیص، اقدام. شک نیست که فرد دارای باورهای راسخ، بر خیر و شر خود که ماهیت آنها را دین برای او توضیح داده، حساس است. به بیان دین، او مجذبه مایل است مطابق با خرسندی ایزد عمل کند و از تباهی ایمن باشد. هنگام رویارویی با اثر هنری، با بهره بردن از موازین دین تصمیم به پذیرش یا اجتناب می‌گیرد، و چون حساسیت در کار بوده است، این تصمیم ملازم با حکمت حکم (دگرگونی در نفس و اندیشه) نیز هست. آنگاه بر پایه کتاب راهنمای دین اقدام می‌کند، یعنی ارتباط را می‌پذیرد یا از آن می‌پرهیزد.

خداوند کسانی را که به دین اسلام گرویده‌اند، می‌فرماید که پاکبهای روا را حرام مگیرند، زیرا افراط کردن را دوست نمی‌دارد^۱ (المائده، ۸۷): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». طبرسی می‌گوید (رک: ۳/۲۹۴-۲۹۵): شأن نزول آیه شریفه این است که روزی بر اثر سخن پیامبر درباره آخرت، گروهی از اصحاب در اندیشه ریاضت و تلخ‌خواری شدند. حضرت موضوع را جو یا شد و ایشان را توضیح داد که بیراه نروند و رنج بیهوده نکشند؛ به زندگی با خلق بپردازند و خودسازی کنند، زیرا دنیا راه‌گذر به آخرت است نه مفر آن. بنا بر تفسیر طباطبایی، در خداگشوده، بستن ندارد، زیرا خود حق‌گذر را به بنده داده است و معین حرام خداست نه بنده. حتی اگر بنده در تحریم چیزی بر خود قسم یاد کند، گفتارش لغو است و این قسم الزام‌آور نیست (رک: ۶/۱۰۶-۱۰۸). تَقَشْف، ریاضت کشیدن و اضرار نفس که در روایت ذریبط هر یک از اصحاب نوعی از آن را انتخاب کرده بود، خلاف دین است و تعصب ورزیدن فرجام خوشی ندارد (رک: همو، ۶/۱۱۱-۱۱۵). آنچه شخصیت‌های مربوط به آیه شریفه فوق مانند علی (ع)، عثمان بن مظعون و دیگران بر خود ناروا شمردند خور و خواب و شهوت و ... بود.

۲-۴- مضامین و موازین

مسلمان پدیده‌ای خجسته مانند هنر را بر خود ممنوع نمی‌سازد، و کتاب خدا خود درباره هنر یا کلیت هر یک از مشتقات آن حکمی نکرده است. «هنر» مفهومی کلی و پیوسته به نگرشی فلسفی است، و «اسلام» در بردارنده عقیده و حکم معین و پیوسته به نگرش دینی است. این نگرش حلال و حرام را معین می‌کند: احکامی که از سوی دیگر می‌توانند شامل زیرمجموعه‌های هنر باشند. همایی (همانجا) می‌نویسد: «غناء ... به هر معنی که باشد بالذات موضوع حکم شرعی نیست و آن را در ردیف موضوعاتی نباید شمرد که حکم شرعی متعلق به طبیعت کلیه شده باشد، بدون رعایت خصوصیات

موارد. بلکه در صورت تحقق، موضوع تابع متعلقات و مقترنات و اغراض و احوال و دیگر امور مؤثر در کیفیت قول و سماع است. پس در صورتی که مقترن به مفسده شرعی یا عقلی باشد از قبیل ملامی و ... حرام است.»

واکنش بایسته مسلمان در برابر اثری که آشکارا مضمونی انسانی را در خاطرش نیرو می‌بخشد یا بالعکس اثری که آشکارا او را به مضمونی شهوانی می‌خواند، روشن است. صورت مسئله‌ای که برای توضیحش به قرآن کریم مراجعه شد، در واقع ممکن است مربوط به اثری باشد که در آن شبهه تأثیر نامطلوب روانی یا فکری وجود دارد. اختیار و اراده انسان در مهار کردن ذهن، میل، یا ... مستلزم پرورده بودن اوست، و نکته مورد نظر، اهتمام قرآن به آموختن این موضوع است. انسان نیاز به پرورشی دارد که به تبع آن بدانند که در برابر آثار هنری و جز آن، چه بر عهده دارد.

خداوند قرآن خود پرورنده است و همواره انسان را به نکویی دعوت می‌کند، اعم از آنچه نزدیک به پندار رایج در موقعیتی خاص باشد یا غیر از آن. مثلاً انسان را به کار پسندیده موكول به توحید یا پندار پسندیده توحید در امر عبادت می‌خواند. چنانکه در آیه ۱۱۰ سوره کهف می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَخَذُوا». بدین ترتیب کار خدایی کاری چون عبادت خدای واحد است (رک: طبرسی، ۶/۶۴۵). از قضا هم عبادت و هم توحید در مقوله هنر اسلامی شونی دارند. چنانکه اشاره شد، از نظر سبک‌شناسی هنر اسلامی، هر بنایی که دارای محرایی در جهت جغرافیایی شهر مکه است و نیز وضوخانه و منذنه و کتیبه قرآنی دارد، می‌تواند در زمره هنر معماری اسلامی جا یابد. از سویی در زیبایی‌شناسی هنر اسلامی امر توحید جایگاهی به خود اختصاص داده است، و تصویری راجع به این موضوع آن است که از بین بردن اصنام مرتبط با پالودن ذهن است به منظور جای دادن اندیشه وحدت‌کبریایی در آن (رک: بورکهارت، ، ۱۵۲).

۲-۵-۵-۲-۵-۲ افق و چشم‌انداز دینی

هنر اسلامی را می‌توان از دیدگاه‌هایی که آن را بیان کرده یا بر آن تأثیر گذارده‌اند بررسی کرد. یکی از مواردی که بر حسب آن هنرهای بصری در سرزمینهای اسلامی مطالعه می‌گردد تفسیر نظری، فلسفی، عرفانی، ... آثار هنر اسلامی است. برای نمونه مسائلی چون وحدت وجود، توأمان وحدت و کثرت، اعیان ثابت، صورت مثالی و مانند اینها با نقوش و نگاره‌ها مقایسه و، برای نمونه، گفته می‌شود که نقشمایه و طرح اصلی در قالی، کاشی و غیره با اساس پابرجای اشیاء مناسبتی دارد. نقوش پیچیده در

مجموع خصلتی یگانه و کلی را می‌رسانند و این راهی معقول برای اشاره به یگانگی الهی است که اساس ثابت گوناگونی و تعین و تکثر در جهان است. اساساً مقوله زیباشناسی هنر اسلامی ناظر بر نگرش و معرفت مستقیم و شهودی انسان است نسبت به حسن، و نیز برخاسته از نگاه انکارناپذیر و مؤکد قرآن به زیبایی (قس: گوئین، 213-212).

از جمله آنچه در این خصوصی اهمیت دارد انگیزه هنرمند در ساخت و پرداخت تزئینات است، و نیز میزان واقعی ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم او با نظرات یادشده و تأثیر هشیارانه یا مقلدانه حاصل کار بر اعقاب هنرمند. در اندیشه زیباشناسانه حتی بر قوالب هم گاه پرتو تقدیس تأییده است. انسان در اختیارورزی برای کسب رحمت و فضیلت تنها نیست، و خداوند به رحمت خویش انسان را از عقوبت نگاه می‌دارد؛ چنانکه می‌فرماید (غافر، ۹): «وَمَنْ تَقَى السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ وَذَلِكَ هُوَ فَوْزٌ عَظِيمٌ». انسان از صاحب جهان چشم رحمت دارد تا او را از سرانجام معصیت نگاه دارد (طبرسی، ۶۶۳/۸؛ طباطبایی، ۳۱۱/۱۷). بنده تا نزد بنده‌نواز نباشد نواخته نمی‌شود و شرفیابی او لوازمی چون گناه ناکردن دارد، و آنچه با بی‌گناهی می‌خواند پالودگی و فضیلت و هنر است. اگر به مطالعه در دانش زیباشناسی بپردازیم قطعاً به آرائی برمی‌خوریم که صاحبانش هنر را امری در ورای تراحم علی برمی‌شمرند.

هر «کل» مشتمل است بر «اجزاء» خود و آنگاه که کل چیزی در اختیار باشد بداهتاً اجزاء نیز در اختیار است. بدین سان آیا اوج پرواز و افق دید قرآنی چنان است که مقوله منظور را مهم نمی‌شمارد؟ اگر پاسخ را مثبت بپنداریم (که چنین نیست)، ناگزیریم موقعیت نزول وحی را موجب موضوع بدانیم. آنگاه این تعلیل خود زاینده سؤال دیگری است که از جهتی بر سؤال قبلی تقدم دارد: آیا دین جهانی محدود به موقعیت نزول است؟ از این جهت که آگاهی فراتر از حوزه هر موضوع در وهله اول ممکن است خود موضوعیتی نداشته باشد، پاسخ به سؤال اخیر مثبت است؛ اما با مطالعه قرآن کریم درمی‌یابیم که دین اسلام قصد دارد موازین شناخت صحیح و تشخیص آن را از سقیم در انسان پرورش دهد، و انسان بما هو انسان فراتر از موقعیتی خاص همچون اعراب عربستان در قرن هفتم م است. به عبارت دیگر خداوند به انسان، اشرف مخلوقات، نوعی توانایی به نام «تشخیص» عطا فرموده که در بسیاری از امور زندگی به کار او می‌آید. خرسندی آیین اسلام از هنری که دستاورد انسانی دارد، امری بدیهی می‌نماید. ارزش انسان به روشنی می‌تواند وجهی از فلسفه دین باشد، چه که دین از روی نیاز بندگان

خداوند پدید آمده و از این حیث تالی احوال ایشان است. دریافت های ذهن انسان را می توان الهام هایی ماورائی دانست که اگرچه گاه رحمانی نیست، شاید بتوان با احتیاط بر غالب آنها تکیه کرد. چرا؟ آیا از آن رو که اصالت با گشایش است و نه پیچش؟

با آن که جهانی بودن دین اسلام باوری است مبتنی بر قرآن، مثال: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (الانبیاء، ۱۰۷) و اینگونه چون و چرا معمولاً نزد شرق شناسان جسته می شود، وجود آن در اندیشه مسلمین سلف نیز برانگیزنده کاوش است (چنان که حتی در صدر اسلام تفضل عربی گاه با دیانت نو ملازمه می یافت). ابن خلدون (د. ۸۸۰ ق) اگرچه مطالبی در توجیه وجود نسبتی استوار میان عرب و اسلام می گوید، در واقع از دیدگاهی دیگر به موضوع می نگرد. ابن خلدون برعکس آنچه گفته شد نه تنها عربیت را محدوده و حیطه دین اسلام نمی شمارد، بلکه آن را رمز موفقیت جهانی اسلام می داند (۱۸۹، ۱۹۷-۱۹۸). البته هیچ استبعادی در کار نیست که مطالبی خلاف این نیز گفته شده باشد. از سوی دیگر او به رغم این که تلازمی بین پدیده های «عرب» و «اسلام» می بیند و هر یک را ثانی اتنین دیگری می داند، بین پدیده های «عرب» و «هنر» تعارضی قائل است (۱۸۷، ۴۴۸، ۵۰۷). اما این فکر هیچگونه استلزام منطقی برای وجود تعارض میان «اسلام» و «هنر» ایجاد نمی کند و او نیز مدعی چنین مطلبی نیست.

۳- دیدگاه های تحقیقی

در مجموعه فرهنگ و تمدن مسلمانان، هنر و آثار آن رفعتی شکوهمند دارد. از زمانی که رشته های علمی باستان شناسی، هنرشناسی، خاورشناسی، اسلام شناسی، ... در پی رفت و آمد اروپاییان به مشرق زمین و تحقیق درباره تمدن ها رونق گرفت، کاوش گران رفته رفته به بررسی آثار هنری در سرزمین های اسلامی و طبقه بندی آن پرداختند. بدین سان شناخت هنر ملل اسلامی که بنا به قاعده بیش از مدارک مکتوب با آثار باقی مانده سر و کار داشت جدیت یافت و به عنوان یک زمینه تازه پژوهشی پدیدار شد. اکنون این رشته از تحقیقات با عناوینی همانند «هنر اسلامی» که ناظر بر ساختار کلان جهان اسلام است مطرح می گردد. طبعاً ملاک هویت هنر وجود عاملی است که به مجموعه ای از آن یگانگی بخشد، و عواملی مثل ملیت، زمان، مکان، دین، حکومت، سبک، رشته هنری، فرهنگ دارای شناسه، و ... برای هنر تعیین هویت می کنند؛ مانند تعابیر متفاوت «هنر نقش»، «هنر دره سند»، «هنر ایرانی»، ... و سرانجام «هنر اسلامی».

طبیعی است که هنر در فضای دینی رنگ دینی به خود می‌گیرد، و اندیشه اسلامی بر هنری که در میان پیروان این دین شکل پذیرفته است تأثیر گذارده و این تأثیرگذاری به صورت ابداع، استحاله، تعیین حدود، و حتی شاید تسویف و واگذاردن حکم به پیشامد عرفی، و غیره بازتاب یافته است. از آنجا که جستجوگران مغرب زمین به تحقیق و مطالعه منظم در این رشته اقدام کرده بودند خود آن را در مجموعه تاریخ هنر جهان با انتساب به دین اسلام تخصیص دادند (رک: ورنویت، ۷-۸، ۱-۲). ضمناً هنگامی که در عرف پژوهشی از «هنر اسلامی» سخن می‌گویند، مقصود بیشتر هنرهای تجسمی است تا دیگر شاخه‌های هنرهای زیبا. یکی از دلایل موضوع این است که به موسیقی و ادبیات که هر یک وسعت بسیار دارند مستقل نگریسته شده است. در میان هنرهای تجسمی یا بصری مسلمین، معماری نخستین جایگاه را از آن خود ساخته و به نحوی دیگر هنرهای بصری را در بر گرفته است. در این هنرها تجرید و تزئین اهمیتی به‌سزا یافته است، چنان که پیروان فلسفه آرتور شوپنهاور (د. ۱۸۶۰ م) می‌توانند اصالت تعبیر معروف او را درباره مقصد انتزاعی هنر و زیبایی، با آن محک زنند (رک: I/344-346, III/231ff).

۱-۳- چیرگی دانش تاریخ

هنر تجسمی مسلمین غالباً از چشم‌انداز تاریخی بررسی می‌شود و حوزه چشم‌انداز تاریخی منشأ و سیر تاریخی هنر است. این چهره‌چهره‌ای است علمی که موضوعات مربوطه، به وسیله آن رده‌بندی و تحدید و تقیید می‌شود و آگاهی تاریخی به دست می‌دهد. دیدگاه تاریخی به تبیین عینی و واقعی ماهیت و موضوع هنر اسلامی می‌پردازد و گاه می‌توان در آن شناخت هنرهای اسلامی را مقدم و پژوهش درباره جنبه‌های گوناگون، برای نمونه بررسی خاستگاه‌ها و سبکها و جز اینها را تالی به حساب آورد. دیدگاه دیگر که گفتار حاضر بیشتر هم‌رنگ آن است، جنبه تشریحی دارد و دلیل توجه به آن بیشتر تأثیری است که شریعت بر هنر داشته است؛ مثلاً با استناد به این قبیل احادیث متفاوت (برای مطالعه یک جمع بندی از آراء علماء اهل سنت درباره معماری، رک: مقاله لیستین):

جعفر بن محمد (ع): بیت الغناء لا تؤمن فیہ الفجیعه و لاتجاب فیہ الدعوه و لا یدخله الملک (کلینی، ۴۳۳/۶).

جعفر بن محمد (ع): ان الله عز و جل وکل ملکاً بالبناء یقول لمن رفع سقفاً فوق ثمانیه ازرع این ترید یا فاسق (حر عاملی، ۵۶۵/۳).

محمد زهری: رسول الله ... وضع کفیه علی صورة عیسی بن مریم و امه (ع) و قال: امحوا جمیع الصور الا ما تحت یدی (ازرقی، ۱۵۸/۱، ۶۵۱).
عائشه: دخل علی رسول الله یوماً و أنا ألعب بالبنات فقال ما هذا یا عائشه فقلت خیل سلیمان فضحک (ابن سعد، ۴۲/۸).

علاوه بر جنبه تاریخی شریعت و احکامی که درباره هنرها صادر شده و برخی از آنها بسته به چگونگی بیان و توصیف طبیعت و واقعیت شقوقی یافته است، هنر به عنوان یک مسأله کلامی جدید نیز مطرح، و از جهت تأثیر و تأثر میان مقولات خود با شریعت قابل بررسی است. یعنی برای بررسی پیوند میان دین و هنر، هم اثرات شریعت بر نحوه تکوین هنر اسلامی مورد عنایت قرار می‌گیرد و هم بهره‌ای که از هنر برای گستردن و پابرجاساختن دین برده می‌شود.

به دیگر سخن نسبت حقیقت دین که در قرآن کریم مندرج است، با موضوعی چون هنر، بر دو گونه است: یکی این که کتاب آسمانی مسلمین درباره هنر چه راهی می‌نمایاند، و دوم این که هنر در پیشگاه دین چه می‌کند. این مسأله را با صبغه کلامی چنین می‌توان عنوان کرد: دین چه تأثیری بر هنر نهاده، و هنر چگونه به دین پرداخته است؟ بارزترین جنبه پاسخ به موضوع دوم هنرهای قرآنی است: خوشنویسی، نگارگری و مانند آنها. هم چنین درباره امکان حصول مفاهیم هنری از قرآن به قصد روشنگری (جستجوی علمی) و به امید تعیین چگونگی هنر (تحقیقات اعتقادی) کوشش‌هایی شده است.

۴- نتیجه

مطالبی مانند تصویرگری به مفهوم لاحق و عام مانند مجسمه‌سازی در برابر بت‌سازی که تفاوت اصلی میان این دو کار در نیت سازندگان است، یا از دیدگاه‌هایی دیگر مانند مراعات کردن یا نکردن مناظر و مرایا در نقاشی که بالمآل پیوندی با شبهه آفرینش ندارد، نمونه‌های مسائلی هستند که تحقیق درباره «هنر اسلامی» ناظر بر حل آنهاست.

در مقاله حاضر ابتدا گزاره‌ای کلی درباره هنر اسلامی طرح شد و بار دیگر این نتیجه به دست آمد که قرآن کریم که اعتقادات، اخلاق، عبادات، امور فردی و اجتماعی، ... را ضرورت‌های نخستین زندگی معنوی، مادی، آزاد و امن می‌داند، پرداختن به هنرهای تجسمی و غیر انتزاعی را در ردیف واجبات لحاظ نفرموده است. یادآور می‌شود که انتزاع در هنر درجاتی دارد و به تصور نگارنده بیان واقعی

نقطه‌ای در آغاز و بیان نمادین نقطه‌ای در منتهای آن است، و تعبیر غیر انتزاعی در اینجا برای تفکیک هنری مانند موسیقی به کار رفته است، زیرا بحث دینی درباره هنرها بسته به کیفیت آنها و جوهی متفاوت دارد.

اسلام یکی از مصادیق پدیده انسانی دین است. مراد از اندیشه اسلامی، اعتقادات دین اسلام و حکمت دستوره‌ای آن و نظریات اجتماعی آن و ... است که همه در اصل از قرآن کریم به دست می‌آیند. از دیدگاه اسلامی عنوان «هنر اسلامی» بیشتر می‌تواند ناظر بر درونمایه‌ای سرشته از فرهنگ و باور باشد تا صرف کالبد. ارتباط دو مقوله «هنر» و «اسلام» سرگذشتی دامنه‌دار دارد که تبیین تاریخی آن نزد اهل فن بسیار معمول است.

۵- پیشنهادی برای مطالعه

نمونه‌هایی از جستجوهای علمی اشاره شده را می‌توان در قالب مقالاتی در «دائرة المعارف قرآن»^۱ مطالعه کرد. از آغاز سده بیست و یکم انتشارات بریل در لیدن هلند دست به انتشار «دائرة المعارف قرآن» به زبان انگلیسی زد. ناشری که نزدیک به یک قرن پیش تألیف دانشنامه معروف اسلام^۲ را آغاز کرده بود. از آنجا که مفاهیم و مدلولات «اسلام» و «قرآن» در همه موارد یکدیگر را پوشش نمی‌دهند، مسلماً در تدوین اینگونه منابع با دو گونه کار روبه‌رو هستیم که موضوع اولی واقعیت دین اسلام و موضوع دومی جوهر دین اسلام است. تفاوت صوری قابل ملاحظه‌ای که بین این دو اثر ارزنده وجود دارد، این است که برخلاف «دائرة المعارف اسلام» که تقریباً همه مؤلفین آن مستشرقین هستند، «دائرة المعارف قرآن» از تعدادی مؤلف مسلمان نیز دعوت به کار کرده است.

در این دائرة المعارف تعدادی مقاله با موضوعات مرتبط به هنر وجود دارد که عبارتند از: مسجد الاقصی؛ قلم عربی؛ باستانشناسی و قرآن؛ هنر و معماری؛ بسمله؛ زیبایی؛ خطاطی؛ شهر؛ پوشاک؛ رنگها؛ کتیبه‌نگاری؛ آخرت‌شناسی؛ خانه؛ بتها و تصاویر؛ اورشلیم؛ کعبه؛ روشنایی؛ نسخ قرآن؛ بازار؛ فرهنگ مادی و قرآن؛ رسانه و قرآن؛ مدینه؛ فلزات و مواد معدنی؛ مسجد؛ تزئین و تذهیب؛ عربستان پیش از اسلام و قرآن؛ تلاوت قرآن؛ قاریان قرآن؛ ابریشم؛ چشمه و حوض؛ سنگ؛ تصاویر نمادین؛ رؤیت؛ کتابت و لوازم آن.

● منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- آدلر، فیلیپ، تمدنهای عالم، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمد طیب، صیدا، ۱۴۱۹ ق.
- ۳- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاریخ، به کوشش خلیل شهاده و سهیل ذکار، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- ۴- ابن سعد کاتب، محمد، الطبقات الکبیر، به کوشش ادوارد سخو و کارل بروکلمن، لیدن، ۱۳۳۱ ق.
- ۵- ازرقی، محمد، اخبار مکه، به کوشش رشدی صالح ملخس، قم، ۱۳۶۹ ش.
- ۶- پیرنیا، محمد کریم، سبک‌شناسی معماری ایرانی، به کوشش غلامحسین معماریان، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۷- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ۹- طبرسی، فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به کوشش هاشم محلاتی، بیروت، ۱۹۹۲ م.
- ۱۰- غزالی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۱- قرآن قدس، به کوشش علی رواقی، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۲- کلینی، محمد، القروع من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۳- نیشابوری، محمود، وضع البرهان فی مشکلات القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق و بیروت، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین، «سما و غناء از دیدگاه عرفا و فقها»، هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنائی، به کوشش اکبر ایرانی قمی، تهران، ۱۳۷۰ ش.

14. Burckhardt, Titus, *The Essential*, ed William Stoddart, Bloomington, 2003.
15. Grabar, Oleg, "Art and Architecture", *Encyclopaedia of the Qur'an*, ed Jane Dammen McAuliffe, Leiden, 2001, vol I.
16. id, "Art and Culture in the Islamic World", *Islam, Art and Architecture*, ed, Markus Hattstein and Peter Delious, Konemann, 2000.
17. Gwynne, Rosalind Ward, "Beauty", *Encyclopaedia of Qur'an*, ed Jane Dammen McAuliffe, Leiden, 2001, vol I.
18. Khalili, Nasser D., *The Timeline History of Islamic Art and Architecture*, London, 2005.
19. Leisten, Thomas, "Between Orthodoxy and Exegesis", Muqarnas, ed Oleg Grabar, Leiden, 1990, vol VII.
20. Schopenhauer, Arthur, *The World as Will and Idea*, tr Richard Burdon ÉHaldane and John Kemp, London, 1964.
21. Vernot, Stephen, "Islamic Art and Architecture: An Overview of Scholarship and Collecting, c 1850-c 1950", *Discovering Islamic Art*, ed id, London / New York, 2000.